پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صص ۵-۲۸ (مقاله پژوهشی)

No. 31, Autumn & Winter 2022/ 2023

تحلیلی بر ترجمه و تفسیر بسمله در کشف الأسرار میبدی

انسیه رجبی‌پور میبدی[۱]، یحیی میرحسینی[۲]، کمال صحرائی اردکانی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۲۷)

چکیده

در سنت ترجمه قرآن کریم، هر مترجم در برگردان بسمله از یک عبارت ثابت و کلیشه‌ای استفاده کرده است. از سوی دیگر مفسران شیعه و اهل سنت در اکثر قریب به اتفاق تفاسیر، تنها در بسمله سوره حمد به شرح و تبیین این آیه مبادرت ورزیده، نیازی ندیده‌اند ذیل بسمله دیگر سور چیزی ذکر کنند. در این میان از بین تفاسیر سنتی، لطائف الاشارات قشیری و کشف الاسرار میبدی استثناء هستند که ذیل هر بسمله، توضیحات منحصر به فردی ذکر کرده‌اند که با دیگر سور متفاوت است. افزون بر این، در نوبت اول کشف الاسرار که به ترجمه اختصاص دارد، چهار نوع برگردان مختلف آمده که بی‌همتاست. این نوشتار که به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، به دنبال پاسخ به چرایی عملکرد ناهمگون رشیدالدین میبدی در ترجمه و تفسیر است؛ پس از تحلیل ۱۱۳ ترجمه و ۱۱۲ تفسیر آیه تسمیت در کشف الاسرار، این نتیجه به دست آمد که گرچه برخی ترجمه و تفسیرها با درون‌مایه سور در ارتباط است اما در اکثر موارد، با نوعی ذوق وجدانی مبتنی بر ادراکات درونی و اشراقی مواجهیم. در هر حال رفتار رشیدالدین میبدی نشانگر آن است که او هر بسمله را مخصوص به همان سوره می‌دانسته است؛ دیدگاهی که به شیعه امامیه بسیار نزدیک است.

کلید واژه‌ها: *بسمله، آیه تسمیت، ترجمه، تفسیر، تأویل، کشف الاسرار، رشیدالدین میبدی.*

۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ ragabipoor1400@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)؛ Mirhoseini@meybod.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ Sahraei@meybod.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۱. مقدمه و بیان مسأله

«بسمله» را مصدر جعلی یا منحوت از «بسم الله الرحمن الرحیم» دانسته‌اند که از باهم‌آیی پاره‌ای از حروف «بسم‌الله» ساخت یافته است (ازهری، ۱۰۸/۱۳). این آیه بسیار محل بحث و نظر بوده است؛ افزون بر تفاسیر ترتیبی، تک‌نگاری‌های فراوانی درباره شرح و بسط این آیه برجای مانده است (تنها برای معرفی ۲۳ اثر در این رابطه، نک: الهی خراسانی، ۴۸-۴۹). همه فرق اسلامی در اینکه بسمله سوره حمد، جزء آیات این سوره است اتفاق‌نظر دارند اما بحث پردامنه، وضعیت بسمله دیگر سوره‌هاست. در این زمینه، قاریان و فقیهان بصره، مدینه، شام و همچنین ابوحنیفه و مالک بن انس، بسمله آغاز سوره‌ها را آیه مستقل به‌شمار نیاورده و آن را صرفاً نشانگر پایان سوره قبل و آغاز سوره بعد دانسته، به قصد تبرک تلاوت می‌کردند. در مقابل قاریان و فقیهان مکه و کوفه، آن را آیه‌ای جداگانه در آغاز هر سوره در نظر گرفته‌اند (زمخشری، ۱/۱).

دیدگاه اخیر، مستمسک برخی از عرفا و صوفیه قرار گرفت تا بسمله هر سوره را مرتبط با خصوص همان سوره دانسته و معنایی مجزا برای آن در نظر گیرند. برای نمونه عبدالکریم بن هوازن قشیری (د ۴۶۵ ق) در لطائف الاشارات، معتقد است بسمله عبارتی تکراری نیست و در هر سوره، معنایی خاص دارد (قشیری، ۴۴/۱). این دیدگاه، طرفدارانی از میان معاصران نیز دارد؛ برای نمونه علامه طباطبایی معتقد است: «هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفا می‌کند. غرضی را که تا سوره تمام نشود، آن غرض نیز تمام نمی‌شود. بنابراین بسم‌الله هر یک از سوره‌ها، به غرض واحدی بازمی‌گردد که در خصوص آن سوره، تعقیب شده است» (طباطبایی، ۱۶/۱). علامه طباطبایی تنها در سوره حمد متذکر این نکته شده اما در بسمله دیگر سوره‌ها، هیچ اشاره‌ای بدان نکرده‌اند. آیت الله جوادی آملی نیز بر این عقیده‌اند از آنجا که از سویی، نام الله در بسمله، اسم جامع و اعظم خدای سبحان است و سایر اسمای حسنای الهی را زیر پوشش دارد، و از سوی دیگر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

رحمت رحمانیه، همه صفات را دربرمی‌گیرد، در هر مظهری با اسمی خاص ظهور می‌کند؛ در سوره‌هایی که محتوایی مهرآمیز دارد، در چهره «جمال» و در سوری که مضامینی قهرآمیز دارد، در چهره «جلال» تجلی می‌کند. بنابراین تفسیر «بسم‌الله...»، به اختلاف سوره‌ها متفاوت است (جوادی آملی، ۲۹۱/۱).

با توضیح فوق، می‌توان گفت این رویکرد مورد تأیید مفسرانی است که قائل به تکرار در قرآن نیستند و تکرار الفاظ را به مفهوم تکرار معانی نمی‌پندارند؛ از جمله این افراد باید به ابوالفضل احمد بن ابی سعد بن احمد بن مهریزد، معروف به رشیدالدین میبدی (د ۵۳۰ق) اشاره کرد که به چنین دیدگاهی باور داشته است. او به صراحت در اثر خویش، چنین گفته است: «مذهب شافعی و اصحاب حدیث آن است که **بسم الله الرحمن الرحیم** در هر سر سورتی، آیتی است از آن سوره، جبرئیل از آسمان فرو آورده و بر مصطفیﷺ خوانده» (میبدی، ۵/۶). در موضعی دیگر، تکراری نبودن هر بسمله را این چنین تبیین کرده است: «و بر سر سورت‌ها نظم آیتی است: **بسم الله الرحمن الرحیم**. و این آیت به خلاف دیگر آیات است از آنکه آیات قرآن، هر آیتی یک بار وحی آمده است و این آیت، صد و چهارده بار وحی آمده؛ هر حرفی از این آیت، ظرفی است شراب رحیق را؛ و هر کلمه، صدفی است در تحقیق را؛ هر نقطه‌ای از و کوکبی است آسمان هدایت را و نجم رجمی‌ست مر اصحاب غوایت را» (میبدی، ۲۱۷/۷).

بازتاب این دیدگاه در کشف الاسرار که نگارش آن را ۱۰ سال پیش از مرگ آغاز کرد، نمایان است. بنابراین یکی از مباحث قابل توجه و منحصر به فرد در کشف الاسرار، تفاوت در ترجمه و تفسیر بسمله نسبت به دیگر تفاسیر است که این نوشتار بدان اختصاص دارد؛ نخست تفاوت‌ها در ترجمه بررسیده می‌شود؛ تفاوت‌های مشهود که در ترجمه بسمله می‌توان بیان کرد، از این قرار است: میبدی ترجمه بسمله را در چهار نوع آورده است: «بنام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان»، «بنام خداوند جهاندار دشمن پرور ببخشایندگی دوست‌بخشای به مهربانی»، «بنام خداوند بخشاینده مهربان»، «بنام خداوند بزرگ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

بخشایش مهربان». در بخش تفسیر نیز به این مطالب اشاره کرده که با یکدیگر متفاوت است: «اشاره به اوصاف الهی از جمله رحمت عام به همگان از جمله دشمنان و رحمت خاص به مؤمنان»، «بلاء و جزا در آخرت»، «اشاره به سنت بلا و امتحان»، «راز و نیاز با خداوند». بنابراین عملکرد مفسر در ترجمه و تفسیر در کانون توجه قرار گرفته است تا بتوان تحلیلی از این اقدام مفسر به دست داد[۱].

۲. جایگاه و اهمیت بسمله نزد میبدی

اهمیت بسمله نزد میبدی را می‌توان از جوانب مختلف نشان داد. نخست آنکه او بسمله را اولین نوشته خداوند بر لوح محفوظ و نزدیک‌ترین نام به اسم اعظم دانسته است (میبدی، ۴/۲). او که معتقد است «هیچ نام و ذکر، عزیزتر از آیت تسمیت نیست» (همانجا، ۷۸/۱۰)، در عبارتی عرفانی، گفتگوی عاشقانه بنده و خدا را با گفتن بسمله این چنین تصویرسازی کرده است: «چون بنده گوید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ**، اللَّه گوید: بنده من، مرا نام نهاد و به‌نام نیکو خواند؛ چون بنده گوید: بِسْمِ اللَّهِ، معناه بدأت بسم اللَّه فابدؤا. می‌گوید، در گرفتم به‌نام خویش؛ در پیوستم به‌نام خویش و آغاز کردم به‌نام خویش؛ درگیرید به‌نام من، در پیوندید به‌نام من، آغاز کنید به‌نام من» (همانجا، ۳/۱-۴).

مفسر در جای‌جای تفسیر خویش، بسیار از آثار بسمله یاد کرده است؛ برای نمونه در سوره ابراهیم از هیبت، فناء و قرب الهی یاد کرده است (همانجا، ۲۳۰/۵). او درباره

---

۱. درباره پیشینه پژوهش، نخست باید به آثاری که به صورت کلی درباره بسمله پرداخته‌اند، اشاره کرد؛ از جمله «الاسئلة فی البسملة از برهان الدین ابراهیم بن محمد قباقبی»، «تفسیر آیهٔ البسملة و ذکر ما یتعلّق بها اثر سید محمد حسین بن شمس الدین نسابه»، «البسملة لدی المدرستین نوشته سید مرتضی عسکری». زهرا حدادنژاد در پایان‌نامه خود «بررسی جامع تفسیر بسمله»، دیدگاه‌ها پیرامون تفسیر بسمله را از تعدادی تفاسیر، گرد آورده است. در پایان‌نامه‌ای دیگر از محمد جعفری‌پور با نام «تبویب و تحلیل تفسیر اثری بسمله در منابع حدیثی و تفسیری»، بسمله تنها در تفاسیر روایی و کتب حدیثی مورد اهتمام بوده است. افزون بر این، بسمله در کشف الاسرار نیز مورد توجه تعدادی از پژوهشگران بوده است؛ اما تلاش‌های فاکر میبدی، ابراهیم قیصری و شاهرخ محمد بیگی بیشتر معطوف به جمع‌آوری ترجمه‌ها و تفاسیر میبدی بوده است و تحلیل خاصی در پی ندارد (برای عناوین این مقالات، نک: منابع و مأخذ) اما این نوشتار می‌کوشد افزون بر توصیف، به تحلیل و چرایی نیز بپردازد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

جایگاه الله در بسمله در مقایسه با دیگر یادکردهای خداوند در قرآن می‌نویسد: «بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ در جمله قرآن دو هزار و پانصد و شصت و سه جایگه نـام اللَّـه اسـت. در هیچ جای آن چندان آثار کرم و دلایل فضل و رحمت و تعبیه لطف، نیست که در این آیـت تسمیت (همانجا، ۱۲۰/۱۰).

رشیدالدین میبدی خواننده تفسیر خود را به دفعات، متذکر اهمیت ذکـر مـداوم بسـمله کـرده اسـت؛ از جملـه آنکـه شـفای بـر تمـامی بیمـاری‌هاسـت (همانجـا، ۴/۳) و آثـار آخرت‌شناختی فراوانی دارد: «بدانکه صعب‌ترین احوال بندگان چهـار حالـت اسـت یکـی سکرات مرگ و جان کندن. دیگر در چهار دیوار لحد جواب منکـر و نکیـر بصـواب دادن. سدیگر برستاخیز از خاک حسرت برخاستن. چهارم بر سر دوزخ پـل صـراط بازگذاشـتن بنده مؤمن در حال نزع بگوید، سکرات مرگ برو آسان شود. در ظلمت لحد بگوید، خـاک برو روضه رضوان شود. در قیامت و رستاخیز بگوید، رویش چون ماه دو هفته تابان شـود. قدم بر پل صراط نهد، آتش دوزخ از وی گریزان شـود» (همانجـا، ۲۱۵/۹). در ایـن بـاره حتی از نقل خواب که عرفا بسیار بدان علاقه دارند نیز دریـغ نکـرده اسـت: «آن عزیـزی پیوسته در همه حال به همه اوقات این نام همی گفت، بعد از وفـات او بخـواب دیدنـد کـه حالت چیست، گفت: نجوتُ من الجحیم و وصلتُ الی دار النعیم ببرکـة بسـم اللَّـه الـرحمن الرحیم. رَستَم از جحیم. رسیدم بدار النعیم از برکات این نام عظیم» (همانجا، ۳۷۴/۹).

این اهمیت در بزرگداشت و تعظیم بسمله نیز راه یافته است؛ برای نمونه او معتقد اسـت تسبیح موجودات با بسمله آغاز شـد و هرگـاه مـؤمنی بـدین جملـه آغـاز نمایـد، دیگـر موجودات نیز لب به ذکر می‌گشایند (همانجا، ۴۰۳/۲). فضیلت تعظیم بسمله را می‌تـوان در این جمله سراغ گرفت که هرکس پاره‌ای کاغذ مشتمل بر بسمله بیابید و از زمـین بـردارد، خداوند متعال به فرشته سمت چپ امر می‌کند تا گناهان صغائر و کبـائر او را محـو نمایـد (همانجا، ۱۶۶/۸).

میبدی با اشاره به آیاتی، معتقد است نام «الله» در میان بـت‌پرسـتان رایـج بـوده و نـام

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

«رحمن» و «رحیم» به ترتیب در میان یهودیان و مسیحیان رواج داشته است؛ از این رو بسمله را ترکیبی می‌داند که هر سه دین بزرگ ابراهیمی، نماینده‌ای از نام خداوند در آن دارد (میبدی، ۲۸/۱-۲۹). حکمت چینش این اسامی را نیز به ترتیب زمان می‌بینند؛ ابتدا قدرت الهی «الله»، سپس دوام نعمت «رحمن» و آنگاه آمرزش الهی در آخرت «رحیم» ظهور و بروز می‌یابد (همانجا، ۲۹/۱).

و بالاخره باید به نگاه مستقل میبدی به بسمله اشاره کرد؛ افزون بر آنچه در بخش مقدمه گذشت، خواجه رشید ذیل بسمله سوره ممتحنه، داستانی را نقل می‌کند که نشانگر باور راسخ او به جزئیت بسمله در هر سوره است: «در آثار مأثور است که یکی از اهل توفیق هر روزی بی‌آنکه بسم اللّه بگفتی هزار بار سورهٔ الاخلاص برخواندی، پس از آنکه بعالم آخرت رسیده بود، او را در خواب دیدند، گفتند: ما فعل اللّه بک؟ اللّه با تو چه کرد؟ حالت چونست؟ کارت بچه رسید؟ گفت: بهر باری سوره «قل هو اللّه احد» خوانده بودم، ثواب آن را در بهشت از بهر ما کوشکی بنا کرده بودند، و اکنون که بدیدم نمی‌پسندم که ناقص است. گفتند: آن نقصان بگوی تا از چیست؟ گفتا: از آن بودست که ما در دنیا شرف **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ** از سر سورتها فرونهاده بودیم» (میبدی، ۷۹/۱۰). به نظر می‌رسد این نگاه مستقل به بسمله، ناشی از نگاه عرفانی او باشد که هر بسمله را حاوی اسرار می‌دانست: «در هر کلمه‌ای از کلمات «بسم اللّه» اسرار ازل و ابد تعبیه است؛ امّا در حجب عزّت متواری است تا سمع هر ناسزایی بدو نرسد و هر نامحرمی راه بدو نبرد (همانجا، ۶۳۳/۱۰).

۳. ترجمه‌های بسمله

بر پایه روایتی، پیشینه اولین ترجمه بسمله به خواسته ایرانیان از سلمان فارسی در برگردان سوره حمد بازمی‌گردد. او بسمله را «به نام یزدان بخشاونده» ترجمه کرد (بی‌آزار شیرازی، ۴۹). بعد از او در ترجمه تفسیر طبری، عبارت «به نام خدای مهربان بخشاینده» آمده (ترجمه تفسیر طبری، ۱۰/۱) که گویا ترجمه مشهور امروزین ـ «به نام خداوند

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

بخشنده مهربان» ـ از این کتاب برگرفته شده است. مدتی بعد مفسر شیعی ابوالفتـوح رازی آن را به صورت «به نام خدای بخشاینده بخشایشگر» ترجمه کرد (ابوالفتوح رازی، ۶۲/۱).

اما میبدی در ترجمه، روشی ابداعی در پیش گرفته و چهار معادل مختلف به کـار بـرده است. این موارد از این قرار است:

این عملکرد مختلف را باید تحلیل نمود؛ خصوصا در عطف توجه به این نکته که تقریبا تمامی مترجمان، تنها یک ترجمه را برای برگردان بسمله انتخاب کرده‌اند. برخـی حتـی بـه عنوان قاعده، بر این نکته پافشاری نموده‌اند کـه متـرجم قـرآن نبایـد الفـاظ و ترکیبـات و ساخت‌های مشابه را بدون دلیل قانع‌کننده به گونه‌ای ناهمسان و چه بسـا متخـالف ترجمـه کند. این گروه اقتضای امانت‌داری را در این می‌بینند که مشابهات قرآن، از آنجا که در اصل قرآن یکسانند، در برگردان نیز باید حداکثر شباهت را واجد باشند (کریمی‌نیـا، ۱۰). حتـی برخی از مترجمان در ترجمه قرآن خویش، به «حفظ وحدت و برابر نهاده‌هـا» بـه عنـوان مبنای خویش اشاره کرده‌اند (خرمشاهی، ۶۴۵، اصل پنجم).

پس باید جویا شد که آیا صرفا با نوعی ذوق و عبارت‌گردانی مـواجهیم؟ یعنـی مفسـر تکرار یک مضمون را برای مخاطب خویش ملال‌آور دانسته و خواسته است با عبارت‌های مختلف علاقه مخاطب را به خواندن تفسیر خود بیشتر کند؟ چنانکه از آمار برمی‌آید میبدی عبارت «بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان» را به عنوان «ترجمه مبنا» انتخاب کرده و در بسیاری از موارد، آن را به کار بسته است. پس بایست دیگر برگردان‌ها را مورد مداقه قرار دارد. در ادامه ترجمه هر یک را بررسی کرده‌ایم:

۳-۱. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به فراخ‌بخشایش و بخشاینده

میبدی در ۱۰۳ سوره از قرآن کریم از ترجمه «بنام خداوند فـراخ بخشـایش مهربـان» استفاده کرده است؛ یعنی بیشترین ترجمه با حجمی فراتر از ۹۰ درصد. در سـوره‌هـای آل عمران، اعراف، نحل و حج نیز از ترجمه «بنام خداوند بخشـاینده مهربـان» اسـتفاده کـرده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

است که ترجمه‌ای نزدیک به مورد قبل است. در این دو نوع ترجمه، او رحمان را به «فراخ‌بخشایش/ بخشاینده» ترجمه کرده است تا فراگیری نعمت خداوند بر همه آفریدگان را بازتاب دهد؛ اما با استفاده از واژه مهربان، رحمت خاص خداوند بر مؤمنان را نشان داده است. این مبنا در روایات به ثبت آمده[۱] و در تفاسیر نیز از آن سخن به میان آمده است (فارسی، ۱۹/۱؛ ثعلبی، ۹۹/۱).

۳-۱-۱. فرضیه اول: تماما اشاره به نعمت بدون بحث از عذاب

مروری بر محتوای این دسته از سوره‌ها نشان می‌دهد در برخی موارد، نعمت عام و خاص خداوند در متن سوره به کار رفته است؛ لذا ترجمه فوق با متن سوره سازگار است؛ برای نمونه در سوره قریش از نعمت الفت گرفتن قریش با تصریح به سفرهای زمستانی و تابستانی و سیری از گرسنگی و همچنین نعمت امنیت سخن به میان آمده است (برای تبیین این نعمت‌ها، نکـ : سید قطب، ۳۹۸۲/۶-۳۹۸۳؛ سحّاب، سراسر اثر). در سوره کوثر نیز که از نعمت ویژه خداوند به حضرت محمدﷺ سخن رفته[۲]، از ترجمه «بنام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان» استفاده شده است. عملکرد مفسر در ترجمه بسمله سوره‌های ضحی و انشراح نیز این چنین است؛ چرا که سراسر این دو سوره، نعمت و رحمت خدای متعال بر پیامبرﷺ گوشزد شده است. توجه به گزارش‌های طرح شبهه عدم پشتداری خداوند از رسولش[۳]، مهربانی خداوند را بیشتر نمایان می‌سازد.

گرچه فرضیه فوق در برخی سوره‌ها نمود دارد، اما سوره‌هایی وجود دارد که نعمت و عذاب، هر دو کنار همدیگر آمده‌اند. برای نمونه در سوره سجده گرچه در ابتدا از نعمت

---

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ تَفْسِيرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ- قَالَ الْبَاءُ بَهَاءُ اللَّهِ وَ السِّينُ سَنَاءُ اللَّهِ وَ الْمِيمُ مَجْدُ اللَّهِ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ الْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ وَ اللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيءٍ الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ وَ الرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّة» (کلینی، ۱۱۴/۱).

۲. برای تفاسیر این سوره از منظر شیعه و اهل سنت، نکـ: طبرسی، ۸۳۵/۱۰-۸۳۸؛ ابن عطیه آندلسی، ۵۲۹/۵-۵۳۱.

۳. «عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَلَیهِ السَّلَامُ، فِی قَوْلِهِ: ما وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَ ما قَلی: «وَ ذَلِکَ أَنَّ جَبْرَئِیلَ أَبْطَأَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِﷺ وَ أَنَّهُ کَانَتْ أَوَّلَ سُورَةٍ نَزَلَتْ اقْرَأْ باسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ ثُمَّ أَبْطَأَ عَلَیهِ، فَقَالَتْ خَدِیجَةُ: لَعَلَّ رَبَّکَ قَدْ تَرَکَکَ، فَلَا یرْسِلُ إِلَیکَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: ما وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَ ما قَلی» (قمی، ۴۲۸/۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

سخن به میان آمده اما از آیه دهم به بعد از کافران و مجرمان سخن رفته است. همچنین در سوره مدثر گرچه بخش ابتدایی سوره به رحمت مطلق خداوند اشاره دارد اما از آیه ۲۶ به بعد، از وحشت عذاب بر کافران سخن می‌گوید.

۳-۱-۲. فرضیه دوم: اشاره همزمان به رحمانیت عام و رحیمیت خاص

در تأیید این فرضیه باید به سوره اسراء با ترجمه فوق اشاره کرد که افزون بر نعمت خاص به مؤمنان، حتی از نعمت‌های عام باریتعالی به کافران و فاسقان سخن رفته است: «مَنْ كَانَ يرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ ...كُلا نُمِدُّ هَؤُلاءِ وَهَؤُلاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّکَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّکَ مَحْظُورًا» (الاسراء/ ۱۸-۲۰). اما این فرضیه نیز همه جا صادق نیست؛ برای نمونه در سوره همزه که سراسر انذار و هشدار است و اصلا درباره رحیمیت خاص خداوند سخن به میان نیامده است، باز از ترجمه «بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان» از برای بسمله استفاده شده است (میبدی، ۶۰۸/۱۰). در نقطه مقابل سوره‌هایی وجود دارند که تماما به رحیمیت الهی اشاره دارد و باز از همین ترجمه استفاده شده است (برای نمونه سوره نصر، نکـ : همانجا، ۶۴۶/۱۰).

۳-۱-۳. فرضیه سوم: ارتباط با آیه نخست یا رکوع نخستین سوره

فرضیه بعدی آن است که ترجمه منتخب، در ارتباط با آیه نخست یا رکوع نخستین سوره باشد. درباره این فرضیه هم باید گفت گرچه در سوره‌هایی مثل فتح این فرضیه صادق است اما مثال نقض‌هایی وجود دارد که کلیت آن را زیر سؤال می‌برد. برای نمونه در سوره مسد، از ابتدا تا انتها به عذاب ابولهب و همسرش اختصاص یافته و دقیقا از همین ترجمه سود جسته شده است (همانجا، ۶۵۶/۱۰).

۳-۲. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به بزرگ‌بخشایش

رشیدالدین میبدی تک ترجمه «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان» را تنها در سوره

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

مؤمنون به کار بسته است؛ احتمالا بدان دلیل که در این سوره، اوصاف مؤمنین برشمردن شده و در آیه اول، بر پیروزی و فلاح مؤمنان اشاره شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ» بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (۱) جاوید پیروز آمد گرویدگان (همانجا، ۴۱۳/۶).

درباره این ترجمه منحصر به فرد، باید واکاوی بیشتری نمود؛ باید سؤال کرد که چه تفاوتی میان «بزرگ‌بخشایش» و «فراخ‌بخشایش» و «بخشاینده» وجود دارد. کلمه «بخشاینده» ـ یعنی حالتِ بدون مضاف و صورتِ بدون صفت ـ رها و مطلق است؛ اما صفت «بزرگ یا فراخ»، بخشایندگی را مؤکد و تشدید کرده است. در گذر از این تفاوت میان وجود و عدم صفت، آنچه بیش از همه نیاز به تأمل دارد، تفاوت «بزرگ» با «فراخ» است که باید با ریشه‌شناسی[1] به تفاوت این دو اشاره کرد.

«فراخ» به معنای «پهناور، گسترده و عریض» است (برهان قاطع، ۱۴۴۴/۳)؛ شعر موجود در نخستین واژه‌نامه فارسی پس از اسلام یعنی «لغت فُرس» نیز همین معنا را تأیید می‌کند: «شایدت باد چندانک اندر جهان فراخا/ تو با نشاط و راحت با رنج و درد اعدا» (اسدی طوسی، ۱۴). واژه فراخ که قدمت فراوانی دارد، از ترکیب پیشوند «فرا» و ahuva* از ریشه -ah به معنای «بودن» است (حسن‌دوست، ۱۹۹۷/۳).

اما واژه «بزرگ» به معنای «معظّم، جلیل، کبیر، شریف و رئیس؛ در مقابل خرد» است (دهخدا، ۴۷۰۲/۳؛ نیز نک: هرن و هوبشمان، ۲۷۴)؛ داعی الاسلام این وصف را برای شخص یا چیزی می‌داند که صاحب جثه یا درجه عظیم و کلان باشد (داعی الاسلام، ۶۸۹/۱). آنچه در اینجا بسیار یاری‌رسان است، توجه به معنای اصلی ریشه است؛ واژه بزرگ که در زبان پهلوی به صورت Wuzurg تلفظ می‌شده است (مکنزی، ۱۹۸)، از ریشه -vaz به معنای قوی و نیرومند بودن است (حسن‌دوست، ۴۷۴/۱). این واژه مشتق از هند و اروپایی ĝueu̯* به معنای «جوان بودن و قوی بودن» است که ظهور آن را در دیگر زبان‌هایی

1. Etymology.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

اروپایی نیز می‌توان سراغ گرفت؛ برای نمونه در زبان لاتین به صورت vegēre به معنای «سرزنده بودن» و در آلمانی کهن wacchar به معنای «شجاع و نجیب» است (همانجا).

از داده‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که «فراخ بخشایش» بر وسعت و دامنه، دلالت دارد؛ یعنی از حیث اشتمال و فراگیری بخشش، افراد گوناگون و شرایط مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ اما «بزرگ بخشایش» بر کیفیت و نفوذ این صفت دلالت دارد؛ یعنی از آن جنس بخشش‌ها خواهد بود که حتمی و پرقدرت است. بنابراین در سوره مؤمنون که بر جانبداری ویژه خداوند نسبت به پارسایان و متدینان اشاره رفته و اتفاقا در آیه نخست به فلاح و رستگاری آنان اشاره شده است، میبدی را واداشته تا از این برگردان خاص استفاده کند. ترجمه میبدی از آیه اول به صورت «جاوید پیروز آمد گرویدگان» دقیقا با ریشه بزرگ یعنی قوی و نیرومند بودن، همخوان است و این فرضیه را تقویت می‌کند که میبدی از واژه بزرگ، برای تأکید بر اثر و قدرتِ بخشش، استفاده کرده است.

۳-۳. تحلیل و نقد ترجمه «رحمن» به جهاندار دشمن‌پرور ببخشایندگی

میبدی گاه در تفسیر خود برای نشان دادن رحمت واسعه خداوند، رحمن را به عنایت خداوند به دشمنان گره زده است. برای نمونه در سوره قمر آمده است: «رحمن است روزی‌گمار و دشمن‌پرور، خالق خیر و شر... رحیم است او که ایمان دهد و قلب سلیم، مؤمنان را رهاند از نار جحیم» (میبدی، ۳۹۷/۹). میبدی به صورت ویژه در سوره‌های حمد، قلم، حاقه، معارج و نوح، رحمن را به «جهاندار دشمن‌پرور ببخشایندگی» ترجمه کرده است که به نظر می‌رسد این گزینش، متناسب با محتوای سوره بوده است تا رحمت عام و خاص خداوند را بیشتر نمایان سازد. برای نمونه در آیه دوم سوره حمد، در تعلیل ستایش خداوند به ربوبیت عام او بر تمامی موجودات مستند شده است. در آیه سوم به رحمت عام و خاص اشاره رفته است[۱]. در آیات پایانی نیز به اقسام سه گانه انسان‌ها یعنی

۱. این دیدگاه در منابع مختلف تفسیر شیعی (کاشانی، ۳۰/۱؛ گنابادی، ۲۸/۱) و سنی (ابن عطیه آندلسی، ۶۴/۱؛ ابوحیان، ۳۱/۱) دیده می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

«نعمت دادهشدگان»، «مورد غضب قرار گرفته شدگان» و «گمراهان» اشاره رفته است؛ آیه‌ای که نشان می‌دهد خداوند متعال به هر سه نعمت می‌بخشد.

در سوره قلم نیز در کنار اشاره به گمراهان و کافران و عظیم‌ترین جنبه تخویفی این سوره یعنی سنت املا و استدراج (القلم/ ۴۴-۴۵)، در مقابل به مؤمنان و حمایت الهی از اهل حق بویژه نجات حضرت یونس﵇ (القلم/ ۴۸-۵۰) بحث به میان آمده است.درباره سوره حاقه نیز باید گفت در آیات ابتدایی (آیه ۴-۱۰) به عذاب اقوام ستمگر اشاره شده ولی در آیات ۱۹ الی ۲۴ به مؤمنانی که نامه اعمال خود را به دست راست می‌گیرند اشاره می‌کند. این تقابل در سوره معارج نیز قابل مشاهده است (آیه ابتدایی و انتهایی در مقابل آیات ۲۲ تا ۳۵).

در نقد این ترجمه باید گفت گرچه انتخاب‌های فوق قابل دفاع هستند، اما باید بررسی کرد آیا در سوره‌هایی با مضامین مشابه نیز از همین ترجمه استفاده شده است؟ به عبارت دیگر آیا همین شیوه کار در همه سوره‌ها تسری یافته است؟ در بررسی اجمالی به سوره‌های کافرون، حاقه و مسد برمی‌خوریم که به کافران و معاندان اشاره شده اما هیچ نمودی به شکل «دشمن پرور ببخشایندگی» در ترجمه مشاهده نمی‌شود. بنابراین در برآیندی کلی از عملکرد مترجم باید گفت گرچه برخی ترجمه‌ها قابل دفاع هستند اما نمی‌توان از آن قاعده کلی استخراج کرد.

٤. تفسیر و تأویل بسمله

میبدی در نوبت سوم تفسیر خود ـ که به تأویل و مباحث عرفانی اختصاص دارد (نک: قاسم‌پور، ۲۶۹) ـ در ۱۱۲ نوبت، توضیحاتی برای بسمله سوره‌ها ذکر کرده است. نکته شایان دقت آنکه رشیدالدین میبدی در نوبت سوم، از میان ۱۵ تا ۳۵ آیه در هر بخش، تنها ۳ تا ۵ آیه را برای تفسیر عرفانی برگزیده است؛ گرچه او معیار روشنی برای توجیه گزینش‌های خود ذکر نکرده اما احتمال داده شده است عواملی نظیر «خواست درونی»،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

«مقتضیات تفسیری»، «توان تفسیرپذیری آیه»، «اهمیت مطلب از نظر مخاطبان»، «جدال‌های کلامی» و «مشرب عرفانی میبدی» در این انتخاب، دخیل بوده باشد (جبری، ۴۸-۴۹). عطف توجه به توان تفسیرپذیری آیه، آن هم در مورد بسمله‌ای که ۱۱۳ مرتبه در قرآن کریم عیناً تکرار شده است، نشان می‌دهد این آیه از منظر خواست درونی و مشرب عرفانی، برای میبدی حائز اهمیت بوده است که ۱۱۲ مرتبه، خود را موظف دیده است آن را شرح و بسط دهد.

این توضیحات که حجم آنها، غالبا دو بند تا نصف صفحه و به ندرت به یک صفحه می‌رسد، منحصر به فرد بوده و در هیچ مورد، توضیحات تکراری مشاهده نمی‌شود. البته باید گفت که این بخش تنها در دو سوره مشاهده نمی‌شود؛ طبیعی است سوره توبه به دلیل عدم اشتمال بر بسمله، تفسیری هم برایش ذکر نشده باشد؛ اما دانسته نیست برای چه بسمله سوره بقره، بدون هیچ توضیحی رها شده است؟ احتمال اینکه این بخش از کتاب در گذر اعصار و قرون، دچار سقط و افتادگی شده باشد، وجود دارد.

در هر حال میبدی به دنبال این هدف بود که بسمله به‌مثابه عبارتی همسان و تکرارشونده در آغاز سور، فارغ از اینکه باید آن را جزء سوره پنداشت و قرائت نمود، چه «کارکرد معنایی یا تفسیری» دارد؟ تأکید میبدی بر اینکه آیات قرآن یک بار نازل شده اما بسمله، هر بار به صورت مجزا وحی شده (میبدی، ۲۱۷/۷)، شاهدی صریح بر همین مسأله است.

اینکه او هر کلمه بسمله را «معادن حقائق»، «منابع دقائق»، «مشارع شرایع» و «صَدَف تحقیق» می‌خواند (همانجا)، شایان دقت است؛ چرا که صدف با آنکه در دل خود مروارید دارد، اما نماد سربسته بودن است[1]. پس مفسر در پی این مقصود است که بسمله همچون صدفی است که باید آن را شکافت تا به مروارید معانی آن، دست یافت. در پایان، عمق معناداری بسمله نزد مفسر را می‌توان در این جمله سراغ گرفت: «در فضیلت آیت تسمیت آورده‌اند از مصطفیﷺ که گفت: اگر آدمی و پری همه بهم آیند، چهار هزار سال تا تفسیر

۱. در نمادشناسی جهانی آمده است اگر صدف، نماد اندام درک سماعی و درک ذهنی است، مروارید نشانه سخن و کلام الله است (نک: شوالیه و گربران، ۱۵۰/۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

و فضیلت آن بدانند، چهار هزار سال به آخـر برسـد و از فضـل آن و تفسـیر آن، عُشـری ندانسته باشند» (میبدی، ۵/۶).

٤-١. مروری بر محتوای توضیحات میبدی

در میان عرفا و صوفیه، برای کشف حقیقت بیشتر بر ذوق و اشراق اعتماد مـی‌شـود تـا عقل و استدلال (زرین کوب، ۹). امری که در دین‌شناسی به «الهیـات عرفـانی[1]» نـامبردار است و در برابر «الهیات طبیعی[2]» ـ متمرکز بر عقل ـ و «الهیات جزمی[3]» ـ متکی بر تعبـد ونقل ـ قرار دارد. ازهمین‌رو کشف الاسرار که تفسیری عرفانی قلمداد می‌شود، در شـرح و بسط بسمله نیز تفسیری ذوقی و اشراقی ارائه کرده است؛ همان که برهان‌الدین زرکشـی آن را مجموعه‌ای از دریافت‌های باطنی و اسـتنباط‌هـای درونـی عـارف مـی‌دانـد (زرکشـی، ۱۷۰/۲) و یا محمدهادی معرفت، آن را برآمده از اشراقات نوری می‌شمرد که بر مقـدمات علمی و برهان‌های منطقی استوار نیست (معرفت، ۳۸۰). مستشرق فرانسوی پُل نویا معتقـد است برخی صـوفیان عملکـرد خـود در برداشـت از قـرآن را نـه تفسـیر و تأویـل، بلکـه «استنباط» نامیده‌اند (نویا، ۲۷). دقیقا این اصطلاح از سوی رشیدالدین میبدی نیـز بـه کـار رفته است: «آن صاحب الهام و صاحب معرفت یکی در بحر تفکّر به دست استنباط جواهر معانی از آیات و اخبار بیـرون مـی‌آرد» (میبـدی، ۱۹۲/۵). همچنـین او بـا نقـل قـول از ابوعثمان مغربی، معتقد است تدبر در قرآن بر سه نوع است که عالی‌ترین آن، «تدبر حقیقت و مکاشفه» است که تنها مختص عارفان است (همانجا، ۶۱۲/۲-۶۱۳).

بنابراین توضیحات میبدی ذیل بسمله را باید نوعی «وحی دل» خواند[4] کـه متکـی بـر استنباط‌ها و کشفیات درونی اوست. او خود از زبان عارفان به «زبان کشف» کـه ناشـی از «عنایت الهی» است، تعبیر نموده است (همانجا، ۲۹۴/۳). از همین‌رو ذیل بسمله، بسیار بـا

1. Mystical Theology
2. Natural Theology
3. Dogmatic Theology

۴. برای این اصطلاح، نکـ : قاسم‌پور، ۱۴۱.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

راز و نیاز با خداوند مواجهیم (بـرای نمونـه: ج ۶۵۲/۵؛ ج ۲۸۴/۷ جمـ). تبیـین اسـامی خداوند از جمله کلمات تشکیل‌دهنده بسمله یعنـی الله، رحمـان و رحـیم، بسـیار مشـاهده می‌شود (برای نمونه: ج ۴۱۵/۲؛ ج ۵۵۵/۳). اشاره به فواید سماع نام الله نیز بارها تکـرار شده است (نکـ : ج ۵۴۶/۸؛ ج ۳۷۴/۹).

معرفی صفات خداوند بویژه رحمت واسعه الهی به دفعات ذیل بسـمله سـوره‌هـا تبیـین شده است (برای نمونه: ج ۱۶۶/۸، جمـ). آنچه در توضیحات بسمله به عیان دیده می‌شود، غلبه رویکرد تبشیری مفسر است؛ به عبارت دیگر بیشتر مخاطبان خـود را بـه عطوفـت و بخشندگی خداوند حتی نسبت به مجرمان و گناهکـاران، التفـات مـی‌دهـد (ج ۱۵۳/۹؛ ج ۱۰۶/۱۰) و به ندرت از عذاب نسبت به کافران سخن رفته است (نکـ : ج۴۹۶/۷).

میبدی برای حروف تشکیل‌دهنده بسمله یعنی باء، سین و میم ارزش زیادی قائل شده و هر یک را نشانگر یکی از مظاهر افعال و صفات الهی دانسته است. برای نمونه ذیل بسـمله سوره اعراف می‌نویسد: «باء برّ خدا است با پیغامبران بالهام نبوت و رسالت. سین سرّ خـدا است با عارفان بالهام انس و قربت. میم منت خدا است بر مریدان بدوام نظر رحمـت. الـف آلاء اوست. لام اول لطف او. لام دوم لقاء او. هـاء تنبیـه و ارشـاد او» (ج۵۵۵/۳). امـا در سوره مریم، وجوه دیگری برمی‌شمرد: «الباء، بقاء اللّه رب العالمین. السّین، سلام اللّـه علـی المؤمنین. المیم، محبـة اللّه بعباده التائبین و المتّطهرین» (ج۱۶/۶). در این میـان بـرای بـاء بسمله ارزش فراوانی قائل شده است: «این باء بِسْمِ اللَّهِ، درگاه عزّت قرآن است؛ قرآن کـه خلایق را بار داد از درگاه باء بِسْمِ اللَّهِ داد» (ج۹۰/۱۰). میبدی به سان بسـیاری از عرفـا، نقطه باء را حائز اهمیتی شایان توجه می‌بیند. از این‌رو معتقد است: «آن نقطه کـه در تحـت باء «بسم اللّه» است، اگر چه در نظر بشـریت اختصـاری و اقتصـاری دارد. آن در آسـمان قرآن بر مثال زهره کمال است و بر رخسار حقیقت بر مثال خال جمال است (ج۵۳۷/۱۰). ذیل بسمله سوره عصر نیز نقطه باء را این گونه تبیین کرده است: «هر چه در صـورت بـاء است در صرّه نقطه وی است؛ و گفته‌اند: نظم قرآن بر مثال عرش آمد و نقطه بـاء بـر مثـال

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

ذرّه؛ اکنون دیده سرّ بگشا در صور و در سور نظر کن، نهایت عظمت در قرآن و در عرش ببین و نشان قدرت در ذرّه و در نقطه ببین» (ج ۶۰۶/۱۰).

نکته درخور توجه دیگر آنکه گاه رسوب باورهای ایرانی مفسر در توضیح بسمله، نمایان است؛ از جمله عناصر اربعه این چنین به بسمله پیوند خورده است: «بدان که عناصر عالم چهار است: باد و آتش و آب و خاک. و این چهار عنصر، وجود که یافتند در بدو آفرینش، ازین چهار کلمت یافتند: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ**. نسیمی و شمیمی بود از عالم جلال و جمال این کلمات که وزید، تا این چهار عنصر در عالم پیدا آمد. آن گه در دور اول تا عهد آخر این چهار عنصر قوت طبیعت داشتند و عالم از ترکیب اجزاء ایشان، منتظم همی بود بر وفق تقدیر الهی» (ج ۲۸۰/۹).

نکته پایانی آنکه بسیاری از عبارات میبدی در توضیح بسمله، چه عینا به عربی و یا ترجمه‌اش به پارسی، دقیقا برگرفته از لطائف الاشارات قشیری است؛ برای نمونه توضیح مندرج در سوره تحریم در دو سوره، شبیه به همدیگر است (قشیری، ۶۰۴/۳؛ قس: میبدی، ۱۶۴/۱۰). اما در اکثر عبارات همسان، نام سوره‌ها متفاوت است؛ یعنی گویی رشیدالدین میبدی، عامدانه توضیح قشیری را اخذ کرده و در سوره دیگری به کار برده است. برای نمونه شرح بسمله قشیری در سوره‌های غافر، تین، واقعه و منافقون، به ترتیب در کشف الاسرار ذیل سوره‌های شوری، نجم، جمعه و طلاق مشاهده می‌شود (نک: قشیری، ۲۹۴/۳، ۷۴۵/۳، ۵۱۶/۳، ۵۸۷/۳؛ قس: میبدی، ۱۴/۹، ۳۷۴/۹، ۱۰۶/۱۰، ۱۴۸/۱۰). البته ناگفته نماند میبدی در بسیاری از موارد، عبارات مجمل و خلاصه قشیری را شرح و بسط داده است. برای نمونه با آنکه بخشی از عبارت قشیری در شرح بسمله سوره ملک در سوره ابراهیم کشف الاسرار آمده است، اما توضیحات بسیار بیشتری را از میبدی شاهد هستیم (نک: قشیری، ۱/ ۳۹۶؛ قس: میبدی، ۲۳۰/۵).

در ضمن رشیدالدین میبدی گاه در مضامین تفسیری و تأویلی خود درباره بسمله، از سخنان اقطاب صوفیه سود جسته و از آنها نام برده است. از آن جمله باید به جنید و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

منصور حلاج (ج۵۵۵/۳)، یحیی بن معاذ (ج ۱۰/۲) و بویژه خواجه عبدالله انصاری[۱] با تعبیر «آن پیر طریقت» (ج۲۹۴/۳، ۷۸/۱۰) یاد کرد.

٤-۲. تحلیل عملکرد میبدی در تفسیر و تأویل بسمله

در تحلیل توضیحات میبدی ذیل بسمله که بیشتر باید آن را تأویل و نه تفسیر نامید، دو فرضیه اصلی دنبال شد؛ نخست اینکه این فقرات با محور اصلی سوره، در ارتباط باشد؛ یعنی میبدی توضیحاتی برای بسمله هر سوره درج کرده که متناسب محتوای اصلی همان سوره باشد. همچنین ارتباط توضیحات میبدی با فواتح سور، به عنوان فرضیه دوم مورد واکاوی قرار گرفت.

از همین‌رو برای آزمون فرضیه اول، محورهای موضوعی هر سوره از کتاب «مجموعه کامل ساختار سوره‌های قران کریم» اثر محمد خامه‌گر استخراج شده و با نکات اصلی مورد اشاره در کشف الاسرار مقایسه شد. همچنین ارتباط سخنان قشیری با فواتح سوره که ممکن است مورد توجه میبدی بوده باشد، به محک گذاشته شد. در هر دو مورد، ارتباط‌ها در سه‌گونه «تطابق»، «تضاد» و «تباین» دسته‌بندی شد (نک: رجبی‌پور، فصل سوم). در اینجا تنها به سه نمونه از انواع رابطه، اشاره می‌شود:

نمونه اول/ تطابق: در تفسیر بسمله سوره محمد آمده است: «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ** بنام خداوندی قادر و قاهر و دیان، واحد و وحید در نام و در نشان، یکی یگانه یکتا از ازل تا جاودان، رحمن است دارنده جهان و پرورانده جهانیان، دوستان و دشمنان. رحیم است بمؤمنان و نوازنده ایشان در دو جهان، بنگاشت از کل صورت انسان و برگزید او را بر همه آفریدگان. همه را هست کرد در این سرای بلا و امتحان. پس بحکمت اختلاف او کند میان ایشان، یکی گریان، یکی خندان، یکی شادان یکی با غم و احزان، یکی نواخته فضل،

۱. نقل قول از خواجه عبدالله انصاری ـ استاد و مرشد میبدی ـ در کشف الاسرار سبب شده است برخی از محققان، مولف کشف الاسرار را خواجه عبدالله انصاری بدانند (گرجی، ۳۰). این در حالی است که برخی با تحقیق آماری، نسبت نقل قول‌های خواجه عبدالله در کشف الاسرار را یک پنجاه و سوم کل کتاب دانسته‌اند (بصیری، ۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

آراسته معرفت و ایمان، یکی خسته عدل آلوده کفر و طغیان، فردا برستاخیز همـه را جمـع کند. آدمیان و پریان همه را جزا دهد بکردار ایشان، مؤمنان را احسان و رضـوان و غفـران، کافران را انکال و اغلال، زقوم و قطران. رب العالمین در ابتداء این سوره هر دو گروه را یاد کرد و مآل و مرجع ایشان پیدا کرد» (میبدی، ۱۸۵/۹).

محورهای مورد اشاره میبدی	محور اصلی سوره	برآیند مقایسه	ارتباط با فاتحه سوره
۱) اشاره به اوصاف الهی از جمله رحمت عام به همگان از جمله دشمنان و رحمت خاص به مؤمنان؛ ۲) اشاره به سنت امتحان، بلاء و جزا در آخرت؛	محور اصلی: اهداف جهاد با دشمنان دین محورهای فرعی: ۱) مقابله با دشمنان دین خدا؛ ۲) بهره‌مند شدن مومنان از حمایت و پاداش الهی؛ ۳- افشای اقدامات و ماهیت منافقان؛ ۴- تشویق مومنان به جهاد در راه خدا (خامه‌گر، ۶۲)	تطابق (مرتبط با محور دوم)	مرتبط با آیه اول و دوم

نمونه دوم/ تباین: میبدی در سوره حاقه چنین مـی‌نویسـد: «قولـه تعـالی: بِسْـمِ اللَّـهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بسم اللَّه رَوح للرّوح و شفاء للقلب المجـروح. طـوبی لمـن یغـدو بـذکره و یروح فالرّبّ علیه مطّلع و الباب له مفتوح. خداوندا بنشـانت بیننـدگانیم، بنامـت زنـدگانیم، بفضلت شادانیم، بمهرت نازانیم. مست مهر از جام تو مائیم، صید عشق در دام تو مائیم:

زنجیـــر معنبر تو دام دل مـــاســـت　　عنبـــر ز نسیـم او غـلام دل ماست
در عشق تو چون خطی بنام دل ماست　　گویی که همه جهان بکام دل ماست»

(همانجا، ۲۱۹/۱۰)

محورهای مورد اشاره میبدی	محور اصلی سوره	برآیند مقایسه	ارتباط با فاتحه سوره
۱) آثار بسمله بر روح و قلب انسان‌ها؛ ۲) راز و نیاز با خداوند	محور اصلی: تاثیر اعتقاد به قیامت در سرنوشت انسان محورهای فرعی: ۱) اثر انکار قیامت در زندگی دنیوی؛ ۲) اثر اعتقاد به قیامت در حیات اخروی؛ ۳) حقانیت تعالیم قرآن درباره قیامت (خامه‌گر، ۸۴).	تباین	غیر مرتبط

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

نمونه سوم/ تضاد: میبدی در تفسیر سوره کافرون می‌نویسد: «قوله تعالی: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ** اسم عزیز ما استنارت الظّواهر الّا بآثار توفیقه و ما استضاءت السّرائر الّا بانوار تحقیقه، فبتوفیقه وصل العابدون الی مجاهدتهم و بتحقیقه وجد العارفون کمال مشاهدتهم، و بتمام مجاهدتهم وجدوا آجل مثوبتهم، و بدوام مشاهدتهم نالوا عاجل قربتهم. نام خداوندی که نثار دل دوستان امید دیدار او، بهار جان درویشان در مرغزار ذکر و ثناء او. هرکس را بهاری و بهار مؤمنان یاد وصال او. هر کجا راستی است، آن راستی بنام او. هر کجا شادی است، آن شادی بصحبت او. هر کجا عیشی است، آن عیش بیاد او. هر کجا سوزی است، آن سوز بمهر او. ملک امروز یاد و شناخت او، ملک فردا دیدار و رضای او. اینت کرامت و منزلت، اینت سعادت و جلالت!» (همانجا، ۶۴۴/۱۰).

محورهای مورد اشاره میبدی	محور اصلی سوره	برآیند مقایسه	ارتباط با فاتحه سوره
۱) عنایت و دستگیری خدا نسبت به عابدان و عارفان؛ ۳) اشاره به اهمیت وصال و قرب الهی برای عارفان.	محور اصلی: متفاوت بودن عقیده و شریعت پیامبرﷺ با آیین کافران محورهای فرعی: ۱) تفاوت معبود پیامبر و کافران؛ ۲) تفاوت شریعت پیامبر با آیین کافران (خامه‌گر، ۱۲۴).	تضاد	غیرمرتبط

پس از بررسی تمامی سوره‌ها، نسبت توضیحات میبدی با محور موضوعی سور از این قرار است (نک: رجبی‌پور، ۱۴۰۰، فصل سوم).

ردیف	رابطه	عناوین سوره	تعداد	درصد
۱	تباین	آل عمران / اعراف / نساء/ مائده/ انعام/ انفال/ یونس/ هود/ رعد/ ابراهیم/ اسراء/ کهف/ نور/ فرقان/ شعراء/ نمل/ عنکبوت/ لقمان /طه / احزاب/ سبأ/ فاطر/ یس/ ص/ غافر/ حج/ فصلت / زخرف/ دخان/ جاثیه/ احقاف/ فتح/ حجرات/ ق/ ذاریات/ طور/ نجم/ الرحمن/ واقعه/ حدید/ مجادله/ حشر/ ممتحنه / صف/ حاقه / نوح / مؤمنون/ جمعه/ منافقون / تغابن/ طلاق/ تحریم/ جن/ مزمل/ مدثر/	۹۱	٪۸۱/۲

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

		قیامت/ انسان/ مرسلات/ نبأ/ نازعات/ عبس/ تکویر/ انفطار/ مطففین/ بروج/ طارق/ اعلی/ غاشیه/ فجر/ بلد/ شمس/ لیل/ ضحی/ شرح/ تین/ علق/ قدر/ بینه/ عادیات/ قارعه/ تکاثر/ همزه/ فیل/ قریش/ ماعون/ کوثر / کافرون/ نصر/ مسد/ فلق/ ناس		
۲	تضاد	حجر/ قمر/ زلزال/ قلم	۴	٪۳/۵
۳	تطابق	حمد/ یوسف/ مریم/ انبیاء/ قصص/ روم/ سجده/ صافات/ زمر/ شوری/ محمد/ ملک/ انشقاق/ عصر/ اخلاص/ نحل/ معارج	۱۷	٪۱۵/۱

همچنین در بررسی دیگر، نسبت توضیحات میبدی با فواتح سور از این قرار است (نکـ: همانجا، فصل سوم):

ردیف	رابطه	عناوین سوره	تعداد	درصد
۱	تباین	جاثیه/ محمد/ قمر/ ذاریات/ حجرات/ ص/ نحل/ زمر/ انفال/ غافر/ احزاب/ نساء/ روم/ نمل/ مائده/ الرحمن/ مجادله/ ممتحنه/ طه/ یس/ نکبوت/ قلم/ ماعون/ قارعه/ بینه/ غاشیه/ بروج/ طارق/ انفطار دهر/مرسلات/ نبأ/ نازعات/ عبس/ جن /مطففین/ فجر/ بلد/ شمس/ لیل/ ضحی/ شرح/ مزمل/ تین/ علق/ زلزال/ تکاثر/ مدثر/ عصر/ همزه/ فیل/ قریش/ کوثر/ مسد/ فلق / نور/ حج/ منافقون /تحریم / انبیاء/ فصلت	۶۱	٪۵۴/۴۶
۲	تضاد	یونس/ معارج/ هود/ سجده/طور /نجم/ طلاق/ الحاقه/ نوح/ عادیات/ انشقاق/ تکویر/ قیامة/ کافرون	۱۴	٪۱۲/۵
۳	تطابق	حمد/ آل عمران/ انعام /اعراف/ یوسف/ رعد/ ابراهیم/ حجر/ اسرا / کهف/ مریم/ مومنون/ فرقان / شعراء/ فاطر/ صافات/ شوری/ قصص/ لقمان/ سبا/ زخرف/ احقاف/ دخان / فتح/ ق/ واقعه/ حشر/ ملک/ حدید/ صف/ ناس/ تغابن/ جمعه / اعلی/ قدر/ اخلاص / نصر/	۳۷	٪۳۳

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

فرضیه سومی که البته به صورت نادر می‌توان در برخی سوره‌ها دنبال کرد، ارتباط توضیحات میبدی با نام سوره است. برای نمونه در بسمله سوره یونس، دقیقا می‌توان ارتباط توضیحات را با سرگذشت پیامبری که سوره به نام اوست، مشاهده کرد: «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّه** منوّر القلوب، الرحمن کاشف الکروب، الرحیم غافر الذّنوب. اللّه است افروزنده دل دوستان. رحمن است باز برنده اندوه بیچارگان. رحیم است آمرزنده گناه عاصیان ... الرّحیم یغفر الذّنب بغیر عتاب ... رحیم است که گناه ظالمان بعفو خود شوید (میبدی، ۲۵۴/۴).

نتایج مقاله

۱) یکی از ویژگی‌های جالب توجه تفسیر کشف الاسرار که آن را از عمده تفاسیر پیش و حتی پس از خود متمایز ساخته، اعتنای ویژه او به بسمله است. رشیدالدین میبدی در نوبه اولی که به ترجمه آیات پرداخته، بسمله ۱۱۳ سوره را به ۴ گونه مختلف ترجمه کرده است: الف) «بنام خداوند جهاندار دشمن‌پرور ببخشایندگی دوست‌بخشای به مهربانی» برای سوره‌های حمد، قلم، حاقه، معارج و نوح (۴,۳۸٪)؛ ب) «بنام خداوند بخشاینده مهربان» برای سوره‌های آل‌عمران، اعراف، نحل و حج (۳,۵۰٪)؛ ج) «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان» برای بسمله سوره مؤمنون (۰,۸۷٪)؛ د) و «بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان» برای باقی سور (۹۰,۳۵٪).

۲) به نظر می‌رسد مفسر، بسمله را در سوره‌های حمد، قلم، حاقه، معارج و نوح که به «بنام خداوند جهاندار دشمن‌پرور ببخشایندگی، دوست‌بخشای به مهربانی» ترجمه کرده، متناسب با محتوای سوره بوده است تا رحمت عام و خاص خداوند را بیشتر نمایان سازد. دقیقا مروری بر محتوای این سوره‌ها نشان می‌دهد در کنار مؤمنان، از دشمنان و کافران و ظالمانی سخن رفته که خداوند متعال نسبت به هر دو گروه، نعمت شامل و فراگیر خود را ارزانی داشته است؛ به همین دلیل به دشمن‌پرور اشاره کرده است. شایان ذکر است در سه سوره از ۴ سوره فوق، از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

سبق رحمت خداوند اشاره رفته است. اما در نقد این ترجمه باید گفت گرچه انتخاب‌های فـوق، قابل دفاع هستند؛ اما سوره‌هایی با مضامین مشابه وجود دارند که این ترجمـه در آنهـا اسـتفاده نشده است. برای نمونه در سوره‌های کافرون، حاقه و مسد به کافران و معاندان اشـاره شـده امـا هیچ نمودی به شکل «دشمن‌پرور ببخشایندگی» در ترجمه مشاهده نمی‌شود.

۳) درباره ترجمه «بنام خداوند بزرگ بخشایش مهربان» که تنها در سوره مؤمنون آمده است خصوصا در مقام مقایسه با «بنام خداوند فـراخ بخشـایش مهربـان» کـه بـرای اکثـر سوره‌ها به کار رفته است باید گفت: «فراخ بخشایش» بر وسعت و دامنه، دلالت دارد؛ یعنی از حیث اشتمال و فراگیری بخشش، افراد گوناگون و شرایط مختلفی را دربرمی‌گیـرد؛ امـا «بزرگ بخشایش» بر کیفیت و نفوذ این صفت دلالت دارد. بنابراین در سوره مؤمنون که بر جانبداری ویژه خداوند نسبت به پارسایان و متدینان اشاره رفته و اتفاقا در آیه نخست بـر فلاح و رستگاری آنان اشاره شده است، میبدی را واداشته تا از این برگردان خاص استفاده کند و نفوذ بخشایش خداوند به مؤمنان را نشان دهد.

۴) ابوالفضل میبدی در تفسیر بسمله نیز عملکرد خاص خود را در پیش گرفته است؛ او برای هر سوره ـ بجز سوره بقره و البته سوره توبه که بسمله ندارد ـ توضـیح ویـژه‌ای درج کرده که با همدیگر متفاوت‌اند؛ مهمترین محورهای مورد اشاره مفسر کشف الاسرار از ایـن قرار است: «مدح و ثنای الهی»، «مناجات با خداونـد»، «تفسـیر و تأویـل اسـماء الهـی»، «تفسیر و تأویل حروف در آیه تسمیت»، «اشاره به عظمت سماع نام الله».

۵) برای دستیابی به تحلیل تفاسیر میبدی درباره بسمله، دو فرضیه اصلی دنبـال شـد؛ الـف) ارتباط توضیحات میبدی با فواتح سور؛ ب) ارتباط توضیحات میبدی با محور اصـلی سـور. در هر دو مورد، ارتباط‌ها در سه‌گونه «تطابق، تضاد و تباین» دسته‌بندی شـد. بیشـترین فراوانـی از آنِ رابطه تباین است که نشان می‌دهد برداشت‌های میبدی بیش از همه، ریشه در مسـائل ذوقـی و تأویلات عرفانی او داشته است و ربط چندانی به محور اصلی سوره و آیات نخسـتین نـدارد. با وجود این، عملکرد میبدی نشان می‌دهد او بسمله را جزئـی از سـوره در نظـر گرفتـه و هـر بسمله را منحصر و مخصوص هر سوره و حاوی پیام مجزایی می‌دانسته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، با استفاده از ترجمه‌های آیت‌الله مکارم شیرازی، آیتی و فولادوند و خرمشاهی.
۲. ابن عطیه آندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲.
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض‌الجنان و روح‌الجنان، بـه کوشـش جعفـر یـاحقی و دیگـران، مشـهد: بنیـاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
۴. ابوحیان آندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰.
۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، به کوشش محمد عوض مرعب، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱.
۶. اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد، لغت فرس، به کوشش عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹.
۷. الهی خراسانی، علی‌اکبر، «بحثی درباره بسم الله»، فصلنامه مشکات، شمـاره ۲۱، ص۴۸-۴۹، ۱۳۶۷.
۸. بصیری، محمدصادق، مقایسه اجمالی تفسیر خواجه عبدالله انصاری و کشف الاسرار میبدی، نثرپژوهی ادب فارسـی، شماره ۱۴، ۱۳۸۲.
۹. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۴۲.
۱۱. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، به کوشش ابن عاشور، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۱۲. جبری، سوسن، چالش‌های متنی در بخش تفسیر عرفانی کشف الاسرار، پژوهش‌های ادبی، شماره ۴۵، ۱۳۹۳.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۴. حسن‌دوست، محمد، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشر آثار، ۱۳۹۳.
۱۵. خامه‌گر، محمد، مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم. قم: آیه نور، ۱۳۹۵.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۷.
۱۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء، ۱۳۷۶.
۱۸. زرین‌کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ویرایش دوم، ۱۳۷۸.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۲۰. سحّاب، فکتور، إیلاف قریش رحلة الشتاء و الصیف، بیروت: المرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۲.
۲۱. سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، چاپ سی و پنجم، ۱۴۲۵.
۲۲. شوالیه، ژان و آلن گربران، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایلی، تهران: جیحون، ۱۳۷۸.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۵. طبری، ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: توس، ۱۳۵۶.
۲۶. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقرّاء السبعة، بیروت: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۳.
۲۷. قاسم‌پور، محسن، پژوهشی در جریان شناسی تفسیر عرفانی، تهران: موسسه فرهنگی هنری ثمین نوین، ۱۳۸۱.
۲۸. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، لطائف الاشارات، به کوشش ابراهیم بسیونی، قاهره: الهیئة المصریة العامـة للکتـاب، ۲۰۰۰م.
۲۹. قیصری، ابراهیم، «تعبیرات عرفانی بسم الله الرحمن الرحیم در تفسـیر کشـف الاسـرار میبـدی ۱ و ۲»، فصـلنامه مشکات، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۷۰.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، به کوشش طیب موسوی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۳۱. کاشانی، ملا فتح‌الله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیه، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

۳۲. کریمی‌نیا، مرتضی، یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، ترجمان وحی، شماره ۱، ۱۳۷۶.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب،الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷.
۳۴. گرجی، ابوالقاسم، مقدمه بر ترجمه تفسیر جوامع الجامع، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۲.
۳۵. محمدبیگی، شاهرخ، «آیت تسمیت در تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش۱۰، ۱۳۷۴.
۳۶. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰.
۳۷. مکنزی، د.ن، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
۳۸. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الأسرار و عدّة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۹. نویا، پل، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی. ترجمه اسماعیل سعادت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]